

## فرهنگ‌یگان

# جهان‌شناسی

چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۳

شماره ۴۱۳۷

WWW.FDN.IR

FARHIKHTEGANDAILY

۱۰

۱۰

۱۰

۱۰

۱۰

۱۰

۱۰

۱۰

۱۰

۱۰

اهداف واقعی تر سفر بلینکن به منطقه ورای پروپاگاندای رسانه‌های غربی

# برای پول انتخابات و جنگ



تعداد سفرهای «آنتونی بلینکن» وزیر خارجه آمریکا به غرب آسیا طی ۷ ماه جنگ طوفان الاقصی تقریبا به اندازه انگشتان دو دست رسیده است. او اگر فاصله سفرهای خود به منطقه را باز هم کمتر کند از وزیر

خارجه به سفیر غیر مقیم آمریکا در منطقه تبدیل خواهد شد. آنچه او را بارها با مسافرتی ۱۱ هزار کیلومتری به پایتخت‌های منطقه کشانده، همگی به تبدیل رژیم صهیونیستی به «کنک خور همگانی» در منطقه مربوط می‌شوند. شاید پیش از این تصور می‌شد اگر رژیم صهیونیستی توسط دشمنانش محاصره شود در بدترین سناریوها همانند عثمانی‌ها که «مرد بیمار خاورمیانه» نام گرفته بود، نامیده خواهد شد. طبق این تصور رژیم در بدترین وضعیت نهایتا مانند عثمانی به دولت بیماریز با ویژگی‌های مشابه دچار می‌شد؛ اما این مشکل مخصوص کشورهای پهناور و دولت‌های قدرتمند است نه موجودیت‌های کوچک با تنفس مصنوعی. وضعیت رژیم نازل‌تر از وضعیت بیماریز است و با ادبیات دولت‌ها قابل توصیف نیست.

حدافل طی ۷ ماه جنگ، هر گروه و دولتی بوده که اراده کرده سیلی‌ای به صورت تل‌آویو زده است؛ از جمله دو دولت ایران و یمن که به شکل مستقیم دست به تنبیه رژیم زده‌اند. این پدیده به بروز پدیده رژیم سیلی خور و کنک خور در جهان منجر شده است. سفر اخیر آنتونی بلینکن به منطقه نیز برای پوشش و توجیه یکی از سخت‌ترین سیلی‌هایی است که رژیم طی هفته‌های اخیر خورده است. پس از آنکه رژیم صهیونیستی به سفارت ایران در سوریه در ۱۳ فروردین حمله کرد، تهران در شانماه ۲۵ بامداد و ۲۶ فروردین در عملیات «وعده صادق» مراکز هدایت این عملیات را در دو پایگاه رژیم درهم کوبید.

این عملیات پیامدهای دردناکی برای کسانی داشت که دلخوش به رویاها بودند. دولت‌هایی که بدعهدی آمریکا در دفاع از خود را دیده بودند، خوش‌باورانه فکر می‌کردند واشنگتن حداقل برای حفظ رژیم هم

که شده زمانی دست به اقدام خواهد زد.

وقتی آمریکا آنقدر تلاش خود برای دفاع پدافندی از رژیم را بزرگ کرد تا عدم دفاع تهاجمی‌اش از تل‌آویو به چشم نیاید، چشمان متحدان

واشنگتن باترش شد.

حرکت روی بندی که آمریکا برای دیگران کشیده احتمال سقوط بالایی دارد. فروپاشی دولت و ارتش وابسته اشرف غنی آخرین رئیس‌جمهور افغانستان که با تقلب بر سرکار آمده بود و وضعیت آشفته تل‌آویو به دیگران سرنوشت رژیم‌های وابسته و دولت‌هایی که مسیر وابستگی به آمریکا را در پیش گرفته‌اند، نشان می‌دهد. «آنتونی بلینکن» وزیر خارجه آمریکا روز (دوشنبه) در جریان تور منطقه‌ای خود در ریاض ادعا کرد پیشرفت قابل توجهی در روند عادی‌سازی روابط عربستان سعودی و رژیم صورت گرفته و در مراحل پایانی قرار دارد. «فیصل بن فرحان» وزیر خارجه عربستان نیز به موازات این اظهارات در همان روز اعلام کرد کشورش به مراحل نهایی درباره توافق دو جانبه با آمریکا نزدیک شده است. این توافق به تعهدات امنیتی آمریکا به عربستان مربوط است که طبق آن واشنگتن باید در درگیری‌ها به کمک ریاض شتافته و تسلیح سعودی را تسلیحات پیشرفته را آغاز کند. این توافق دوجانبه پیش از طوفان الاقصی به‌عنوان یکی از پیش‌شرط‌های عادی‌سازی توسط عربستان مطرح شده بود.

#### اهداف منطقه‌ای آمریکا در ماه هفتم

آمریکا درصد به سرانجام رساندن توافق عادی‌سازی میان رژیم و عربستان است که اهداف جدیدی به آن نسبت به اهداف قبلی سنجاخ شده‌اند. این توافق اما همه آنچه آمریکا و بلینکن به‌دنبال آن بوده‌اند، نیست. در ادامه به اهداف کنونی آمریکا پرداخته شده است.

#### ۱. پایان آبرومدانه جنگ

با تفاوت‌هایی در چند جبهه جریان داشته‌اند. ویژگی این جنگ پوشش چند جبهه‌ای است به این صورت که با کاهش تنش‌ها در یک جبهه، افزایش تنش در جبهه‌ای دیگر آن را جبران می‌کند. نمونه آن خارج شدن نیروهای رژیم از مناطقی در غزه است که به کاهش تلفات صهیونیست‌ها منجر شده و درازای آن مقاومت لبنان بر شدت ضربات خود افزوده است. آشکار است که چیزی به نام پیروزی در انتظار تل‌آویو نیست و دیگر امکان ادامه جنگ نیز وجود ندارد. از این رو باید برای آن برنامه‌ریزی کرد.

اگر رژیم طی توافق آتش‌بس با مقاومت غزه به جنگ پایان دهد، روش را پذیرفته است. بر همین اساس غرب به‌دنبال راه دیگری است. یک راه برای کاهش از تبعات آن، اعلام پایان جنگ در ازای عادی‌سازی روابط با سعودی‌هاست. به این شکل دلیل پایان جنگ شکست رژیم از نیروهای مقاومت غزه تلقی نخواهد شد، بلکه برخی آن را به دلیل دیپلماسی سعودی خواهند دانست که پذیرفت در ازای پایان جنگ روابط خود با تل‌آویو را عادی‌سازی کند. آمریکایی‌ها اما به نظر می‌رسد اهداف بیشتری در رابطه با جنگ و عادی‌سازی داشته باشند. موضوع دوم تبدیل تهدید به فرصت است. اگر پیش از جنگ عادی‌سازی بی‌تعانی داشت و پس از آن نیز این‌گونه تلقی می‌شد که ریاض کار سخت‌تری برای ارتباط با تل‌آویو دارد، واشنگتن تلاش می‌کند برخلاف برداشت‌ها بتواند تهدید جنگ را با اعلام عادی‌سازی در ازای پایان کشتار و محاصره غزه، به فرصت تبدیل کند. هدف سوم آمریکا استفاده از مواهب تجاری عادی‌سازی برای بازسازی و کنترل گروه‌های سیاسی رژیم است. ایجاد روابط پرچشم با عربستان و رشد جدی روابط تجاری می‌تواند ضمن کمک به بازسازی اقتصاد رژیم برای گروه‌های سیاسی صهیونیست نیز جذاب باشد. برخی گروه‌های سیاسی صهیونیست که به این مواهب تجاری چشم دارند تلاش خواهند کرد در جامعه و دولت رژیم برای پایان جنگ در ازای عادی‌سازی فعالیت کنند.

فروش تسلیحات ساخت رژیم به عربستان یکی از شاخه‌های درآمدی روابط است. اخذ پروژه‌های بزرگ کارخانه‌های آب شیرین کنی، ساختمان‌سازی و شهرک‌سازی و همچنین ایجاد باغ‌ها و مزارع کشاورزی در محیط‌های سخت کویری از جمله حوزه‌های همکاری دو دولت است. هدف چهارم آمریکا بی‌حاصل‌سازی عملیات ۷ اکتبر است، واشنگتن از ابتدای جنگ تبلیغ کرده بود عملیات ۷ اکتبر



برای جلوگیری از توافق عادی‌سازی صورت گرفت و امروز قصد دارد با پایان جنگ از طریق این توافق به دیگران بگوید طراحان به هدف خود دست نیافتند.

#### ۲. درگیری کشورهای مسلمان با یکدیگر

شاید توسعه جنگ از مبدا و با حضور رژیم صهیونیستی هدف آمریکا نباشد و این کشور نخواهد جنگی منطقه‌ای شکل بگیرد اما واشنگتن قطعاً قصد دارد درگیری‌های سیاسی و زد و خورد‌هایی میان کشورهای منطقه با یکدیگر صورت گیرد تا رژیم از مرکز توجهات و تمرکز فشارها خارج شود. غرب درحالی‌که ایران در عملیات وعده صادق به شکل مستقیم رژیم صهیونیستی را هدف قرار داد، بدون آنکه تل‌آویو را خطاب قرار دهد درحال تحریک کشورهای عربی علیه تهران است.

#### ۳. تثبیت حقوقی و ساختاری مواضع

غرب و متحدانش در منطقه برای پیشبرد اهداف خود از ضعف نظامی رنج می‌برند. این ضعف نظامی با توجه به حجم عظیم تسلیحات فروخته شده به کشورهای منطقه مربوط به حوزه ابزارها نیست اما در کلیت متحدان آمریکا در منطقه توانمندی نظامی کمی دارند. برای آنکه این ضعف برای آنها درس‌رسان شود، آمریکا قصد دارد با فریز کردن مرزها و با ترساندن دیگران، آنها را به لحاظ حقوقی و ساختاری تثبیت کنند. این اقدام با ارائه تضمین‌های امنیتی شبیه آنچه در ناتو وجود دارد، صورت خواهد گرفت. نمونه روشنی از این اتفاق در شرق اروپا وجود دارد. روسیه به‌عنوان دومین ارتش بزرگ دنیا که در کنار آمریکا قدرتمندترین قدرت هسته‌ای جهان است به اوکراین حمله کرده تا مانع عضویتش در ناتو شود اما علیه کشورهای بالتیکی کوچک‌ترین اقدام نظامی را انجام نداده است.

آمریکا با این تجربه درصد گسترش تضمین‌های امنیتی خود به غرب آسیاست. با این وجود مشکلی در این منطقه گریبانگیر واشنگتن است که نشان می‌دهد مقایسه دو منطقه غرب آسیا و شرق اروپا اشتباه است. واشنگتن نه براساس پیمان و تعهد نظامی بلکه خود راسا و به شکل مستقیم وارد منطقه شده، عملیات کرده و در هر نقطه‌ای با مقابله مواجه شده است. نتیجه این درگیری‌ها نیز شکست آمریکا و کشته شدن هزاران نفر از سربازان ارتش این کشور بوده است. شکست سعودی‌ها در جنگ با یمن نیز از نوعی نبود که با تعهد امنیتی آمریکا با پیمانی شبیه ناتو قابل رفع باشد.

#### ۴. ساخت با نمایش پیروزی پس از شکست

آمریکا قصد دارد در وهله اول در صورت امکان با هراس افکنی از پاسخ ایران علیه رژیم در عملیات وعده صادق بتواند اتحادی علیه ایران تشکیل دهد و در صورت عدم تحقق آن، در وهله دوم با مانورهای رسانه‌ای و لفظی این‌گونه نمایش دهد که اجرای عملیات به زیان ایران بوده و خوراک‌ی برای افکار عمومی و رسانه‌های مرتبط با خود ایجاد کند.

در این خصوص باید دید عملیات ایران علیه خاک فلسطین اشغالی با مشخصاتی که برای آن در نظر گرفته شده بود آیا واقعا باعث اتحاد کشورهای منطقه علیه تهران شده است؟

به نظر نمی‌رسد در واقعیت این عملیات چنین نتایجی داشته باشد، بلکه آمریکایی‌ها درصدد ایجاد این نگاه با تلاش فراوان با نمایش تحقق آن با هدف ایجاد هراس در تهران هستند.

#### ۵. متفاوت شدن روسیه و چین

روسیه و چین در ماه‌های اخیر رویکرد متفاوتی را درخصوص رژیم اتخاذ کرده‌اند که به زعم بسیاری به‌خاطر سیاست‌های پیشین این دو تعجب‌برانگیز است. چین و روسیه با محکوم کردن حمله رژیم به سفارت ایران در سوریه و دفاع از پاسخ ایران در عملیات وعده صادق به زعم بسیاری متفاوت از سیاست پیشین خود عمل کرده‌اند. با این‌حال چنین دیدگاهی با سنجش کاملی همراه نبوده‌اند. پکن و مسکو در گذشته سیاستی را اتخاذ کرده بودند که دیگر با فضای فعلی منطق نیست؛ به‌ویژه اینکه رژیم با اقداماتش جهان را در لبه پرتگاه قرار داده است.

از سوی دیگر چین و روسیه به همراه ایران مواضع همگرایی درخصوص اوکراین، غرب آسیا و شرق آسیا را نشان می‌دهند که بیم هماهنگی میان آنها را در پی داشته است. احتمال دارد آمریکا با نگرانی

درخصوص ابعاد و ماهیت همکاری‌ها میان قدرت‌های شرقی درصدد بازآرایی متحدان و منابع خود برای رویارویی با موقعیت جدید باشد.

#### ۶. توجیه عدم حمایت کامل از تل‌آویو

در عملیات وعده صادق، غرب از رژیم که مهم‌ترین دارایی این مجموعه در غرب آسیا شناخته می‌شود تنها به شکل

#### خیزش دانشجویی در غرب نقطه آشکارساز یا نقطه عطف؟



حنیف غفاری کارشناس مسائل بین‌الملل

در تحلیل پدیده‌های اجتماعی و اعتراضی در کشورهای گوناگون دنیا با دو کلیدواژه مهم روبه‌رو هستیم که یکی نقطه عطف و دیگری نقطه آشکارساز است. میان این دو کلیدواژه به‌لحاظ مفهومی و مصداقی تفاوت زیادی وجود دارد. برخی رخدادها از آن جهت نقطه عطف یک روند محسوب می‌شوند که پس از آن، بسیاری از معادلات و آینده‌نگاری‌ها تغییر پیدا می‌کنند و قواعد بازی درقبال پدیده‌ها، مشمول نوعی بازتعریف می‌شود. بااین حال زمانی که در نقطه آشکارساز پدیده‌ها و وقایع سخن می‌گوییم، منظورمان پرده‌برداری از یک روند جاری اما نامحسوس است که اینک در معرض دید همگان قرار گرفته است. در روندنگاری پدیده‌ها، نقاط آشکارساز حتی نسبت به نقاط عطف نیز از اهمیت بیشتری برخوردارند، زیرا محصول تبلور آگاهی عمومی و متعاقباتحولاتی جدید درقبال آن موضوع یا پدیده خواهند بود.

خیزش دانشجویان آمریکا و اروپا علیه رژیم اشغالگر قدس و جنایات آن در نوار غزه را باید به نقطه آشکارساز در روندنگاری تحکرات عمومی و اعتراضی در غرب تلقی کرد. این خیزش محصول آگاهی دانشجویان و نسل جوان آمریکا- اروپا نسبت به ماهیت نظام حکمرانی در کشورهایشان و تسلط لابی صهیونیسم بر معادلات علمی و امنیتی کشورهایشان است. فراموش نکنیم تا قبل از وقوع جنگ غزه نیز این گزاره (سلطه همه‌جانبه صهیونیسم بر غرب) مطرح شده بود اما رسانه‌ها و سیاستمداران غربی آن را مصداق توم و فرضیه‌سازی خواندند و خود را بازیگرانی مستقل و جریان‌ساز در نظام بین‌الملل جلوه دادند.

امروز بر همگان مسجل‌شده نه‌تنها تدوین استراتژی‌های امنیتی و اجتماعی در غرب، بلکه اجازه ورود پلیس به فضای دانشگاه در آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان نیز از سوی لابی‌های صهیونیستی مستقر در این کشورها صادر می‌شود. نقش لابی صهیونیستی آپیک در سرکوب‌های صورت‌گرفته در دانشگاه کلمبیا و تگزاس موید همین مساله است. ماجرا در اینجا فراتر از نفوذ صهیونیست‌هاست، زیرا ما با سلطه مستقیم آنها بر ساختار علمی و امنیتی غرب مواجه هستیم.

ریشه ترس و وحشت لابی‌های صهیونیستی در غرب از اعتراضات دانشجویی، جنس و ماهیت متفاوت این اعتراضات نسبت به گذشته است. خشم و فریادی که امروز بر سر رژیم کودک‌کش صهیونیستی و درحمایت از مردم غزه در فضاهای دانشگاهی آمریکا و اروپا به‌گوش می‌رسد، منبعث از نوعی اعتراض ساختاری و تمایل به گذار از قواعد و بایسته‌های مضحکانه وقیحانه این ساختار است. به‌عبارتی گویاتر، جنس اعتراضات صورت‌گرفته در دانشگاه‌های غرب، زیربنایی و معطوف به ساختار قدرت در آمریکا و اروپوست.

ساختاری که مبانی آن نه براساس نیازهای واقعی شهروندان اروپایی و استقلال واقعی آنها در عرصه‌های علمی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی، بلکه براساس تأمین منافع رژیم اشغالگر قدس بنا نهاده شده است. قطعاً این جنبش محدود به واقعه‌ای خاص و معطوف به زمان حال نیست و شاهد استمرار آن به اشکال و عناوین گوناگون خواهیم بود، بنابراین غرب لابی‌های صهیونیستی فعال در آن، با خیزش و جنبشی بی‌سابقه و عمیق مواجه شده‌اند که درنهایت چاره‌ای جز پذیرش شکست و تسلیم دربرابر آن نخواهند داشت.

## شکست مذاکرات با معترضان دانشگاه کلمبیا

دانشجویان و اساتید معترض به جنایت‌های رژیم صهیونیستی علیه فلسطینی‌های ساکن غزه، می‌گویند حاضر نیستند به تحصن خود پایان دهند. به گزارش اسکای نیوز، رئیس دانشگاه کلمبیا اعلام کرده مذاکرات با معترضان طرفدار فلسطین که از دو هفته پیش اردو زدن در دانشگاه کلمبیا را آغاز کرده بودند، شکست خورده است. «نعمت مینوچه شفیق» که مدیریتش توسط هیات نظارت دانشگاه به دلیل واکنشش به اعتراضات مورد انتقاد قرار گرفته، از نظاهرکنندگان خواست داوطلبانه اعتراضات را ترک کنند. او گفت که سازمان‌دهندگان و رهبران دانشگاهی نمی‌توانند به توافقی برسند که منافع همه در نظر گرفته شود. رئیس دانشگاه اعلام کرد که کلمبیا خواست اصلی معترضان را نمی‌تواند برآورده کند اما به دانشگاه پیشنهاد داد که در بخش بهداشت و آموزش در غزه سرمایه‌گذاری کند. در همین حال خواست دانشجویان متحصر به سه محور اصلی است. واگذاری، شفافیت در امور مالی و عقو دانشجویان و کارکنان انضباطی که در اعتراضات دستگیر شدند. رئیس این دانشگاه اعلام کرد حدود ۱۰۰ دانشجو در پی ورود پلیس نیویورک به کمپ‌ها دستگیر شده‌اند. مذاکرات با دانشجویان به پایان رسیده اما هنوز تصمیم مشخصی گرفته نشده.

ان‌بی‌سی نیوز و نیویورک تایمز نیز گزارش کرده‌اند تحصن‌کنندگان دوشنبه شب موفق شدند به یک ساختمان محل دانشگاه کلمبیا مسلط شوند. آنها پس از تسلط بر ساختمان هامیلتون که یکی از مراکز اصلی دانشگاه به حساب می‌آید چادرهای تحصن خود را به داخل آن منتقل کرده‌اند.

اهمیت ساختمان هامیلتون به دلیل تحصن دانشجویان در سال ۱۹۶۸ میلادی در اعتراض به جنگ آمریکا در ویتنام و همچنین در اعتراض به نژادپرستی علیه سیاهپوستان، است؛ اعتراضاتی که در آن سال‌ها بسیار پر سر و صدا شدند. قدرت‌گیری اعتراضات ضد صهیونیستی در دانشگاه کلمبیا درحالی صورت می‌گیرد که طی دو هفته اعتراض، نیروهای امنیتی سعی کرده‌اند آنها را سرکوب کنند. این اقدام اما به گسترش اعتراضات از طریق پیوستن اساتید به دانشجویان و فراگیری آن به دیگر دانشگاه‌ها منجر شده است. نیروهای امنیتی برای سرکوب این اعتراضات دست به بازداشت صدها دانشجو زده و دانشگاه‌ها نیز مجبور شده‌اند تحت فشار لابی صهیونیسم تعدادی از دانشجویان را تعلیق کنند.

<sup>[1]</sup> اما این شکست، در واقعیت برای اهداف آمریکا در منطقه، نقطه عطفی نبوده است